

خاطرات مترجم استالین در کنفرانس تهران

رئیس جمهور امریکا را

در تهران می خواستند بربایند



در سالهای اخیر و بویژه امسال، در سالگرد شکست ارتش هیتلری، سهم بزرگ ارتش سرخ در این شکست و جلوگیری از تسلط فاشیسم بر جهان، با تحریف تاریخ و بزرگ جلوه دادن نقش امریکا و انگلستان در این شکست و پیروزی همراه شده است. در جنگ دوم جهانی، روسیه (اتحاد شوروی وقت) 27 میلیون کشته داد، تاریخی ترین مقاومت ها در مسکو و استالینگراد در تاریخ این جنگ باقی ماند، رهبری نظامی و سیاسی استالین در این جنگ، به یک نبوغ می ماند، اما کشورهای غربی تلاش می کنند تمام این واقعیات از بشریت پنهان بماند. از آن سخیف تر آن که استالین و هیتلر را در دو کفه یک ترازو قرار میدهند.

سال ۱۹۴۳ در تهران یک کنفرانس مهم بین المللی تشکیل شد. این کنفرانس که بعدها بنام "کنفرانس تهران" در تاریخ ثبت شد، با هدف گشایش جبهه جدیدی علیه آلمان هیتلری و با شرکت استالین رهبر اتحاد شوروی، چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر و روزولت رئیس جمهور امریکا تشکیل شد. ایران رضاشاهی که در آستانه اتحاد رسمی با هیتلر بود، با تبعید وی از ایران توسط انگلستان و سپردن سکان

سلطنت پهلوی بدست پسر ارشد او "محمدرضا"، در عمل به کانون یکی از مهم ترین تصمیمات جهانی علیه هیتلر تبدیل شد.

یکی از مترجمین جوان استالین در این کنفرانس، که همراه هیات اتحاد شوروی به تهران رفته آمده بود، سالها بعد، خاطرات و مشاهدات خود را از این کنفرانس نوشت. او که "والنتین برژکوف" نام داشت یکسال پیش از انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۱۶ بدنیآ آمده بود. او پس از پایان جنگ دوم جهانی، بعنوان خبرنگار ویژه مجله مهم "عصرجدید" به ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، چین، بلژیک، مجارستان، بلغارستان، کانادا، یوگسلاوی، جمهوری فدرال آلمان سفر کرد. خود وی در کتابش و یا بهتر است بنویسم "گزارش" کنفرانس تهران می نویسد:

«این کتاب شرح رویدادی است که در تاریخ دیپلماتیک جنگ دوم جهانی جای ویژه دارد. کنفرانس در پائیز ۱۹۴۳ در تهران برگزار شد. نوشته های من نه یک رساله پژوهشی است و نه یک تجزیه و تحلیل کامل از کنفرانس تهران و مسائل مطرح شده در آن، بلکه خاطرات یک شاهد و یک مترجم ساده آن رویداد است. البته بر اسناد و خاطرات برخی شرکت کنندگان دیگر آن کنفرانس نیز تکیه کرده ام. ائتلاف ضد هیتلری در آغاز سالهای ۴۰ ممکن شد و اتحاد نظامی و سیاسی سه قدرت بزرگ اتحاد شوروی، ایالات متحده و بریتانیای کبیر ادامه تحولات در اوضاع بین‌المللی در جنگ دوم جهانی بود. این اتحاد بر خلاف همه مشکلات و اختلافات بر سر اهداف نهائی جنگ به یک ائتلاف نیرومند میان دول دارای نظام‌های اجتماعی متفاوت مبدل گردید و این خود امر پیروزی بر فاشیسم هیتلری را تسریع کرد. در دوره ائتلاف ضد هیتلری مناسبات میان سه قدرت در سطوح مختلف، از قبیل دیپلماسی، اقتصاد، فرهنگ و قبل از همه، در رشته نظامی تکامل یافت. ضمنا دیدارها و تماس‌های شخصی، از جمله، مکاتبه منظم عالی ترین رهبران اتحاد شوروی، ایالات متحده و بریتانیای کبیر در این تکامل نقش داشت. "تلاته بزرگ" (نامی که به سه قدرت بزرگ اطلاق شد) برای صدها میلیون نفر در سراسر جهان مترادف بود با امید به پیروزی و رهائی از فاشیسم هیتلری.

دیدار تهران اهمیت ویژه‌ای داشت، بدون شك، شرکت کنندگان این دیدار از مسئولیتی که تاریخ برعهده آنان گذاشته بود آگاهی کامل داشتند. آنها از عهده مسائل پیچیده‌ای که در برابرشان قرار گرفته بود با انعطاف برای سازش معقولانه برآمدند.

موافقت قابل قبول طرفین کار آسانی نبود، زیرا علاوه بر درك اهمیت یگانگی، اختلافات جدی و حتی علایم خصومت نیز میان طرفین وجود داشت.

انتخاب محل دیدار

پائیز سال ۱۹۴۳، نه تنها ملاحظات نظامی بلکه ملاحظات سیاسی نیز دیدار سه رهبر ائتلاف نظامی ضد هیتلری را ایجاب می‌کرد. لازم بود اقدامات بعدی مشترك در جهت پیروزی سریع تر بردشمن مشترك بررسی و هماهنگ شود و تبادل نظر پیرامون نظام جهان پس از جنگ صورت گیرد. با آنکه بر سر این دیدار تفاهم شده بود، بر سر محل کنفرانس همچنان اختلاف نظر وجود داشت. استالین ترجیح می‌داد کنفرانس نزدیکتر به خاک شوروی برگزار شود. او به این نکته استناد می‌کرد که عملیات جنگی در جبهه شوروی و آلمان اجازه نمی‌دهد که او درحالیکه فرماندهی عالی جنگ را برعهده دارد، برای مدتی طولانی مسکو را ترك کند. روزولت، به نوبه خود، به قانون اساسی آمریکا اشاره می‌کرد که اجازه نمی‌داد او به عنوان رئیس جمهور برای مدت طولانی واشنگتن را ترك کند.

برای اولین بار در مکاتبه رهبران شوروی و آمریکا يك پیشنهاد مشخص درمورد محل دیدار در پیام روزولت مورخ ۶ سپتامبر سال ۱۹۴۳ ارائه گردید. رئیس جمهور آمریکا اطلاع داد که "دیدار می‌تواند در آفریقای شمالی باشد."

تقریباً همزمان با آن، چرچیل نیز به مسکو اطلاع داد که حاضر است برای این دیدار به قبرس یا خارطوم بیاید.

استالین در پیام مورخ ۸ سپتامبر خود به این دو، **ایران** را پیشنهاد کرد و دو روز بعد جواب چرچیل، مبنی براینکه "حاضر است به تهران بیاید" را دریافت کرد.

مسئله حل نشده ماند زیرا روزولت از این پیشنهاد پشتیبانی نکرده و همچنان محل‌های مختلف دیگری را برای دیدار پیشنهاد می‌کرد. ۱۴ اکتبر روزولت به استالین نوشت که "قاهره از بسیاری لحاظ مناسب تر است و خارج از محدوده قاهره، نزدیک اهرام، چند ویلا هست که می‌توان در آنها دیدار کرد. ضمناً در یکی از بنادر شرقی دریای مدیترانه نیز محل مناسبی وجود دارد به شرطی که هر يك از ما در کشتی های خود در محل حاضر شویم. اگر این پیشنهاد را می‌پذیرید ما می‌توانیم کشتی خوبی برای شما و هیئت شما در اختیاران بگذاریم تا کاملاً مستقل باشید و در عین حال بتوانید با ناوگان خودتان ارتباط مداوم داشته باشید. محل دیگری که می‌توانیم با هم دیدار سه جانبه داشته باشیم حوالی بغداد است. در آنجا می‌توانیم سه اردوگاه با تعداد کافی مامورین امنیتی روسی، بریتانیایی و امریکائی را در اختیار داشته باشیم."

۱۹ اکتبر استالین پاسخ داد: "متأسفانه هیچیک از محل های پیشنهادی شما را برای این دیدار مناسب نمی‌دانم و همچنان تهران را پیشنهاد می‌کنم. ضمناً موضوع امنیت در این مورد برای من مطرح نیست." در پیام بعدی استالین شرحی از برنامه تعرض زمستانی نیروی شوروی ارائه داد. استالین توضیح داد که "همکاران من عقیده دارند که این عملیات مستلزم رهبری روزمره ستاد کل ارتش و ارتباط شخصی من با

فرماندهی می باشد. در تهران می توان این شرایط را از طریق تلگراف و تلفن با مسکو تامین کرد، در صورتی که سایر محل های پیشنهاد دارای این شرایط نیستند".

روزولت، يك هفته بعد بار دیگر پیامی فرستاد و پیشنهاد دیدار در تهران را رد کرد. او استدلال کرد که کوه های نزدیک پایتخت ایران به گونه ایست که ممکن است چند روز متوالی امکان پرواز را از ما بگیرد و در نتیجه، هواپیمائی که می بایستی اسناد مختلف را از واشنگتن به رئیس جمهوری برسانند ممکن است برای مدتی طولانی معطل شود. روزولت نوشت "توجه داشته باشید که برای پرواز هواپیماها تهران که در گودی قرار گرفته مناسب نیست. لذا با کمال تأسف باید به شما اطلاع دهم که نخواهم توانست رهسپار تهران شوم. دولت و رهبران قوه مقننه با حضور در تهران مخالف اند."

روزولت بصره را به عنوان يك محل دیگر دیدار پیشنهاد کرد با این محاسبه که یک خط تلفنی از تهران به آنجا کشیده شود.

این پیام را "کوردل هل" وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در بهار سال ۱۹۴۳ که برای هماهنگی کنفرانس سه وزیر امور خارجه وارد مسکو شده بود، تسلیم استالین کرد. استالین در پاسخ به "هل" اطلاع داد که استدلال رئیس جمهور آمریکا را فراموش کنید!

استالین در ادامه گفت: "البته روزولت می تواند در مورد امکان مسافرت به پایتخت ایران برای دیدار با نمایندگان اتحاد شوروی و بریتانیای کبیر خود تصمیم بگیرد، و لیکن از جانب خودم باید بگویم که هیچ جایی را مناسب تر از تهران نمی بینم، وظایف فرماندهی عالی نیروی شوروی بر عهده من گذاشته شده و این امر مرا مجبور می سازد بطور روزمره عملیات جنگی را در جبهه ما رهبری کنم. با این وضع برای من به عنوان فرمانده عالی جنگ امکان ندارد دورتر از تهران بروم. همکاران من در هیئت دولت معتقدند که در حال حاضر خروج من از اتحاد شوروی بخاطر پیچیدگی زیاد اوضاع در جبهه ها غیرممکن است..."

استالین سپس گفت که "ویاچسلاو مولوتوف" معاون اول وی در هیئت دولت یقیناً می تواند بجای وی در دیدار شرکت جوید و هنگام مذاکرات، طبق مفاد قانون اساسی شوروی، از تمام اختیارات رئیس دولت شوروی برخوردار است، در این صورت هیچ اشکالی در انتخاب محل دیدار وجود نخواهد داشت.

استالین در خاتمه گفت: " امیدوارم که این پیشنهاد قابل قبول طرف های ذی نفع باشد." این پاسخ قاطع استالین آشکارا وزیر امور خارجه آمریکا را غافلگیر کرد. "هل" گفت که بلافاصله پیشنهاد استالین را به اطلاع رئیس جمهور خواهد رساند و از طرف خود افزود که پیشنهاد آخر (اعزام مولوتوف) "باعث یاس" روزولت خواهد شد زیرا ایشان برای دیدار با شخص استالین اهمیت خاص قائل است. هل کاملاً درک کرده بود که کنفرانس در محل دیگری غیر از تهران با عدم شرکت استالین همراه خواهد شد. سرانجام امریکائی ها تهران را بعنوان محل برگزاری کنفرانس پذیرفتند. پیام روزولت به تاریخ ۸ نوامبر حاکی از همین امر بود.

بدون شك، مسكو روى اين واقعيت كه نيروهاى شوروى مطابق قرارداد ۱۹۲۱ به منظور قطع فعاليت‌هاى خرابكارى و جاسوسى عمال هيټلرى در ايران به قسمت شمالى ايران (سرخس) وارد شده و در آنجا مستقر بودند حساب مى‌كردند. نيروهاى انگليس نيز وارد قسمت جنوبى ايران شده بودند و به اين ترتيب حل مسئله تامين امنيت جاني شركت‌كنندگان كنفرانس تهران آسان بود، اما مسئله ديگر فعاليت جاسوسى عمال مخفى نازى در تهران بود، كه بايد براى آن فكرى مى‌شد. در اين ارتباط تصميم گرفته شد كنفرانس در سفارت شوروى برگزار شود. عمارت اصلى كه معمولاً دفتر سفارت در آنجا بود براى اقامت روزولت رئيس جمهور آمريكا و براى هيئت نمايندگى شوروى اقامتگاه سفير كبير اتحاد شوروى در نظر گرفته شد.

مسئله اقامت رئيس جمهور آمريكا براى مدت كار كنفرانس در سفارتخانه شوروى قبلاً مورد مذاكره شركت‌كنندگان ديدار تهران قرار گرفته بود. بالاخره اين مسئله بر مبنای ملاحظات امنيتى مورد قبول واقع شد. ساختمان سفارت آمريكا در حومه تهران، و سفارتخانه‌هاى شوروى و انگليس در مجاورت مستقيم يكدیگر قرار داشتند. كافي بود يك خيابان کوتاه به كمك سپرهای بلند مسدود شود و يك معبر موقت بين دو سفارتخانه ايجاد شود تا يك محدوده واحد بوجود آيد. بدین ترتيب امنيت اعضاى هيئت‌هاى نمايندگى شوروى و انگليس تامين مى‌شد، زيرا تمام محدوده حفاظ امنيتى پيدا مى‌کرد. اگر روزولت در سفارتخانه آمريكا اقامت مى‌گزيد در آنصورت وى و ساير شركت‌كنندگان ديدار مجبور مى‌شدند روزى چند مرتبه از خيابان‌هاى تنگ تهران به محل مذاكرات رفت و آمد كنند. در اين صورت احتمال مى‌رفت عمال "رايش سوم" خود را درمیان مردم جا داده و دست به عمليات تروريستى بزنند.

"مايكل ريلی" نماينده سازمان اطلاعات و امنيت آمريكا در اين نگرانی با سازمان مخفى شوروى شريك بود. او خاطر نشان ساخته بود كه علیرغم همه تدابير احتیاطی اتخاذ شده، هنوز نازها در تهران عده زيادى هوادار دارند، علاوه بر این، اطلاعاتی در دست بود مبنی بر اینکه سازمان جاسوسى هيټلرى در تدارك برنامه ترور بودند. ۲۰ سال پس از كنفرانس تهران، "اتواسكورتزنى" كه هيټلر مشكل‌ترين عمليات خرابكارى را به او محول مى‌كرد تائيد نمود كه وى از جانب هيټلر ماموريت **بودن** روزولت را در تهران داشت.

روزولت رئيس جمهورى آمريكا كه پس از بازگشت از تهران، بدليل اقامت در سفارت اتحاد شوروى با انتقاد محافل حكومتى و مطبوعات آمريكا قرار گرفته بود، در يك مصاحبه مطبوعاتی به تاريخ ۱۷ دسامبر ۱۹۴۳ بيانيه ویژه‌ای صادر كرد مبنی بر اینکه بجای سفارتخانه آمريكا در سفارتخانه شوروى اقامت داشته زيرا استالين اطلاعاتی مربوط به توطئه آلمان به دست آورده بود. روزولت افزود كه از قرار اطلاع مارشال استالين، احتمال مى‌رفت يك توطئه به منظور سوءقصد به جان همه شركت‌كنندگان كنفرانس صورت گيرد. رئيس جمهور اعلام داشت كه احتمالاً قريب صد جاسوس آلمانی در حوالی تهران به سر مى‌برند. روزولت افزود: "آلمان‌ها بسيار كوشيدند تا موقعی كه ما از خيابان‌هاى تهران عبور

می‌کردیم کار مارشال استالین، چرچیل و من را یکسره کنند زیرا سفارت‌خانه های شوروی و آمریکا با هم قریب ۱/۵ کیلومتر فاصله دارند.

در اواخر نوامبر ۱۹۴۳ شرایط دیدار ژوزف استالین، فرانکلین روزولت و وینستون چرچیل در تهران فراهم آمد.

یادداشت های مترجم استالین "والنتین برژکوف" در کنفرانس تهران

۲

دیدار استالین و روزولت در سفارت شوروی، در تهران

پیشخدمت فیلیپینی چرخ دستی را که روزولت با تمام سنگینی خود روی دسته های آن تکیه داده و تبسمی نیز بر لب داشت وارد اتاق کرد. با لحنی مهربان و در حالیکه دستش را دراز کرده بود گفت:
-هلو. مارشال استالین، ببخشید، فکر می‌کنم کمی دیر کردم. استالین با اشاره به محل ملاقات که در داخل سفارت ما بود گفت:نخیر، بموقع آمدید. استالین یکی از سیگارهای خود را به روزولت تعارف کرد ولی او با تشکر قوطی سیگار خود را در آورده و با تبسم و در حالیکه شانه هایش را به علامت عذرخواهی بالا کشیده بود گفت: من به سیگار خودم عادت دارم.

من با اضطراب کوشش کردم با تمام قوا روی دیداری که در پیش بود متمرکز شوم. استالین و روزولت قرار بود بزودی با هم در سفارتخانه ما در تهران دیدار کنند. ترجمه سخنان استالین سخت بود زیرا وی در عین حال که شمرده سخن می‌گفت، با صدای خفیف و با لهجه گرجی حرف می‌زد و هرگز هم نمی‌شد از او پرسید از فلان جمله چه منظوری داشته است. سریعاً و در یک لحظه باید منظور هر جمله او را درک کنم و بلافاصله آن را به انگلیسی برگردانم. مشکل وقتی جدی‌تر شد که گفتند باید متن گفتگو را ثبت هم می‌کردم. یگانه دلخوشی من این بود که استالین شمرده سخن می‌گوید و پس از هر جمله مجال ترجمه را به من میدهد.

وقتی به اتاق مجاور تالار اجلاس عمومی کنفرانس وارد شدم، استالین با لباس مارشالی، بسیار آهسته و شمرده در اتاق قدم می‌زد. سلام کردم و دفتر و قلم خود را روی میز پایه کوتاهی که در دو طرف آن یک صندلی و یک میز قرار داشت گذاشتم. او همچنان در افکار خود غرق بود و قدم می‌زد.

سپس یک سیگار از بسته ای که روی آن نوشته شده بود "گرسگووینا فلور" بیرون کشید و آتش زد. پس از روشن شدن سیگار، با دقت زیاد به من نگاه کرد و پرسید:

- راه زیاد خسته کننده نبود؟ آماده ترجمه هستید؟ گفتگوی بسیار پرمسئولیتی در پیش است.
با قاطعیت پاسخ دادم:

- بله، رفیق استالین، حالم خوب و آماده ام.

سپس، استالین مقابل میز کوچکی که من کاغذ و قلم خود را روی آن گذاشته بودم ایستاد و بسته سیگار خود را روی آن گذاشت. سیگارش خاموش شده بود و این بار در حالیکه دوباره سیگار را روشن می کرد به مبلی که کنار میز بود اشاره کرد و گفت:

- شما در اینجا، کنار من می نشینید. روزولت را با چرخ دستی می آورند و در سمت چپ صندلی راحتی شما قرارش می دهند.

من که تازه دلیل نبودن سه مبل یا صندلی در دیداری سه نفره را درک کرده بودم گفتم:
- بلی!

استالین دوباره به حرکت آهسته خود در اتاق ادامه داد، اما به پایان اتاق نرسیده بود که در اتاق باز شد و پیشخدمت فیلیپینی چرخ دستی را که روزولت با تمام سنگینی خود روی دسته های آن تکیه داده و تبسمی نیز بر لب داشت وارد اتاق کرد. با لحنی مهربان و در حالیکه دستش را دراز کرده بود گفت:

- هلو. مارشال استالین، ببخشید، فکر می کنم کمی دیر کردم.

استالین با اشاره به محل ملاقات که در داخل سفارت ما بود گفت:

- نخیر، بموقع آمدید. من کمی زودتر آمده بودم. البته رسم میزبانی است. آخه شما مهمان ما هستید. درحقیقت می توان گفت که در خاک شوروی به مهمانی آمده اید!
روزولت با خنده پاسخ داد:

- مخالفم. ما قرار گذاشته بودیم در منطقه بیطرف دیدار کنیم. ضمناً اینجا اقامتگاه من است و شما مهمان من هستید!

استالین با لبخند:

- بهتر است این بحث را کنار بگذاریم. بفرمائید که از جایتان راضی هستید؟ به چیز دیگری احتیاج ندارید؟

- خیر. همه چیز خوب است. اینجا مثل خانه خودم است. از این که این خانه را در اختیار من گذاشته اید صمیمانه تشکر می کنم.

استالین با اشاره دست دعوت کرد:

- خواهش می کنم نزدیکتر به میز.

پیشخدمت فیلیپینی چرخ دستی را به محلی که تعیین شده بود هدایت کرد و سپس آن را به جلو برگرداند، ترمز چرخ را محکم کرد و خود از اتاق خارج شد.

استالین یکی از سیگارهای خود را به روزولت تعارف کرد ولی او با تشکر قوطی سیگار خود را در آورده و با انگشتان دراز و باریک خود یک سیگار در چوب سیگاری کهربائی ظریفی که از جیب در آورده بود قرار داده و روشن کرد، سپس با تبسم و در حالیکه شانه هایش را به علامت عذرخواهی بالا کشیده بود گفت:

- من به سیگار خودم عادت دارم. ضمناً، مارشال، پیپ مشهورتان کو؟ همان که می گویند با دود آن دشمن خود را بیرون می کنید؟

استالین که از جمله آخر روزولت استقبال کرده بود، چشم هایش را تنگ کرد و با تبسم گفت:
- بنظرم حالا دیگر همه را بیرون کرده ام. البته اگر پاسخ جدی بخواهید، راستش اینست که پزشکان به من توصیه کرده اند کمتر از پیپ استفاده کنم. با این وجود آن را با خودم آورده ام و برای جلب رضایت شما حتماً دفعه دیگر آن را می کشم.
روزولت خیلی جدی گفت:

- باید از دستور پزشکان اطاعت کرد. من هم اجباراً همین کار را می کنم.
استالین خیلی رسمی پرسید:

- در مورد دستور گفتگوی امروز پیشنهادهایی دارید؟
- فکر نمی کنم که حتماً در همین دیدار باید مسائل جدی و قابل بحث را طرح کرد، می توانیم درباره اوضاع کنونی و دورنمای آینده تبادل نظر کنیم. البته مایلیم اطلاعاتی پیرامون اوضاع در جبهه شوروی و آلمان را مستقیم از زبان شما بشنوم.
استالین گفت: پیشنهاد شما را قبول می کنم.

بسیار آرام و بدون عجله بسته "گرسگووینافلور" را یکبار دیگر باز کرد و چنان با دقت در جستجوی یکی از آنها گشت و انتخاب کرد که گوئی آنها با هم فرق می کنند. آن را آتش زد و سپس آرام و شمرده ادامه داد:

- آنچه به اوضاع جبهه ما ارتباط دارد، شاید بطور عمده عبارت از آن باشد که اخیراً نیروی ما "ژیتومیر" را که یک نقطه گرهی راه آهن است ترک کرد.
روزولت پرسید:

- وضع هوا در جبهه چگونه است؟

- هوا فقط در اوکراین مساعد است، اما در سایر بخش های جبهه گل و لای است و خاک هنوز یخ نیسته.

روزولت با لحنی توام با همدردی گفت:

- دلم می خواست حدود ۴۰-۳۰ لشکر آلمان را از جبهه شوروی به آلمان منحرف کنم.

- بسیار کاری خوبی است، اگر ممکن شود.

- این، یکی از مسائلی است که من قصد دارم همین روزها و در همین کنفرانس (کنفرانس تهران)

پیرامون آن توضیحاتی بدهم. پیچیدگی مسئله در آنست که تدارکات برای یک نیروی دو میلیون نفره

در برابر ما قرار دارد. ضمناً فاصله قاره امریکا تا اروپا حدود سه هزار مایل است.

- در این مورد وسائل نقلیه خوب لازم است. من البته از مشکلات شما آگاهم.

- بنظرم این مسئله را می توانیم حل کنیم. کشتی سازی در ایالات متحده رشد رضایتبخشی دارد.

استالین و روزولت در این دیدار مسائل زیادی را مطرح کردند. رئیس جمهور به خطوط کلی اندیشه

همکاری ایالات متحده و اتحاد شوروی در دوران پس از جنگ اشاره کرد و استالین از این اندیشه

استقبال کرد و گفت که پس از جنگ اتحاد شوروی بازار خوبی برای ایالات متحده خواهد بود.

روزولت از این گفته استالین به گرمی استقبال کرد و خود اضافه کرد: پس از جنگ امریکائی ها به

مقدار زیادی مواد خام احتیاج خواهند داشت و به همین دلیل بین دو کشور می تواند روابط بازرگانی

نزدیک و خوبی بوجود آید. استالین اضافه کرد: اگر امریکائی ها تجهیزات فنی به اتحاد شوروی

تحویل بدهند، اتحاد شوروی نیز مواد خام مورد نیاز امریکا را تامین خواهد کرد.

در این دیدار و گفتگوی اول، تفاوت آشکاری میان نظرات امریکا و انگلستان نسبت به سرنوشت جنگ

و آینده مستعمرات به چشم می خورد. روزولت نسبت به لزوم برخورد نوین به مسئله کشورهای

مستعمره و وابسته پس از جنگ زیاد حرف زد. شاید او صمیمانه به امکان اعطای تدریجی

خودمختاری و بالاخره استقلال به آنها فکر می کرد، البته در طول کنفرانس نیز بارها این موضوع را

دنبال کرد. اما واقعیت این بود که او در پشت این اظهارات خواه نا خواه منافع آن محافل ایالات متحده

را منعکس می کرد که زیر پوشش تجدید نظر در وضع رسمی مستعمرات، عملاً مستعمرات قدرت

های اروپای سرمایه داری را متزلزل می کرد و زمینه نفوذ ایالات متحده در کشورهای مستعمره را

آماده می ساخت.

روزولت درباره آینده هند و چین گفت که می توان طی ۴۰-۳۰ سال مردم این منطقه را آماده

خودمختاری کرد، همین گفته در باره دیگر مستعمرات هم صادق است. سپس ادامه داد:

- چرچیل نمی خواهد از تحقق این پیشنهاد قاطعانه حمایت کند، زیرا می ترسد که این اصل مستعمرات انگلیس را هم شامل شود. "هل" وزیر امور خارجه ما وقتی به مسکو آمده بود سند نوشته من را همراه داشت که مربوط به تشکیل کمیسیون بین المللی امور مستعمرات بود. منظور از این کمیسیون این بود که از ممالک مستعمره برای بررسی وضع آنجا و تدابیر ممکنه بهبود آن بازدید نماید. تمام فعالیت این کمیسیون باید کاملا جنبه علنی داشته باشد.

استالین از فکر تشکیل چنین کمیسیونی پشتیبانی کرد و گفت که به این مرجع میبایستی شکایت، درخواست و غیره برسد. روزولت آشکارا از واکنش رهبر شوروی راضی بود ولی نگرانی خود را نسبت به برخورد احتمالی چرچیل پنهان نکرد. او حتی به استالین تذکر داد که ضمن گفتگو با نخست وزیر بریتانیا بهتر است موضوع هند مطرح نشود زیرا اکنون چرچیل هیچ نوع آمادگی چنین صحبت هائی را درباره هند ندارد. او دوست دارد این مسئله پس از پایان جنگ بررسی شود.

استالین خاطر نشان کرد:

- بله. میدانم. هند زخم دردناک چرچیل است.

روزولت تأیید کرد:

- درست است، اما اعتقاد دارم انگلستان سرانجام مجبور خواهد بود دست به اقداماتی در هند بزند. من امیدوارم باز هم و با تفصیل بیشتر پیرامون هند با شما گفتگو کنم و ضمنا این نکته را در نظر خواهم داشت که اشخاصی که از مسئله هند دورند در مقایسه با اشخاصی که با این مسئله ارتباط مستقیم دارند بهتر می توانند برای حل و فصل آن تصمیم بگیرند.

استالین با احتیاط به این نظر واکنش نشان داد. او فقط به تأیید این نکته بسنده کرد که اشخاصی که از هند بدورند برخورد عینی تری می توانند نسبت به آن داشته باشند.

روزولت به ساعت خود نگاه کرد. تا افتتاح رسمی کنفرانس که ساعت ۱۶ تعیین شده بود وقت کمی مانده بود.

روزولت گفت:

- فکر می کنم وقت آن رسیده که گفتگو را تمام کنیم. باید کمی استراحت کرد تا بتوان روی مسائل اجلاس متمرکز شد. تبادل نظر ما بسیار مفید بود و بطور کلی آشنائی و گفتگوی صمیمانه با شما موجب خوشحالی من شد.

استالین جواب داد:

- من هم بسیار خوشبخت شدم.

سپس از جا بلند شد و با سر به روزولت که در صندلی چرخدار خود نشسته بود ابراز تشکر کرد.

من به اتاق مجاور رفتم تا پیشخدمت فیلیپینی رئیس جمهور را صدا کنم. پیشخدمت بلافاصله آمد، دسته پشتی صندلی راحتی چرخدار روزولت را گرفت و او را به اقامتگاهش برد. با وجود اینکه استالین و روزولت برای اولین بار یکدیگر را در تهران ملاقات کردند، دیدارشان در محیطی بسیار صمیمانه صورت گرفت. بنظر می رسید که آنها از مدتها پیش با هم آشنا هستند و تنها برای مدت کوتاهی از هم جدا شده بودند و اینک دوباره بهم رسیده اند. بنظرم این محیط غیر رسمی ناشی از آن بود که هر دو رهبر از تابستان سال ۱۹۴۱ به بعد مکاتبه منظم داشته و طی این مکاتبات که تقریباً هفتگی صورت می گرفت مسائل بسیار مختلفی را با هم مطرح کرده بودند.

منبع: راه توده

www.esalat.org